

# خاکسپاری «سایه» در وطن مشکل حقوق ملی و بین‌المللی

میان منسوبان «امیر غزل» معاصر بحث  
تدفین او جنبه قضایی به خود گرفته  
است

دادگاه کلن باید تصمیم بگیرد  
که تدفین امیر هوشنگ ابتهاج بر  
عهده کدامین عضو خانواده باشد

«اعتماد» | پس از مناقشاتی بر سر محل تدفین پیکر هوشنگ ابتهاج، سرانجام اواسط هفته گذشته خبر انتقال پیکر این شاعر پرآوازه به ایران و خاکسپاری او در شهر زادگاهش، رشت، در رسانه‌ها منتشر شد. در آستانه روز موعود که انتظارات برای بازگشت پیکر «سایه» به وطنش رو به پایان بود، اعلام شد که بنا به «مشکلات اداری» در محل درگذشت شاعر، یعنی کشور آلمان، انتقال پیکر او به تعویق افتاده است؛ بعد از آن، موضوع با خبرهای تازه‌ای همراه شد که مهم‌ترین آنها اختلاف میان فرزندان «سایه» بر سر محل تدفین پیکر شاعر بود. چنان‌که رسانه‌ها از شکایت یکی از این فرزندان به دستگاه قضایی آلمان خبر دادند. به هر حال آنچه در این میان اهمیت زیادی دارد، مساله بازگشت شاعر به وطن است تا مبادا سرنوشت دیگرانی از ادبا و شعرائی تاریخ بلندی‌های ادبیات فارسی، از مولانای بلخی تا نظامی گنجوی، گریبانگیر هوشنگ ابتهاج هم بشود و آلمانی‌ها به سبب آرامیدن شاعر در آن خاک، مدعی مالکیت او شوند؛ غم‌انگیزتر آنکه می‌دانیم کارنامه این نام‌های بلند، سرشار از آثاری به زبان فارسی است! دکتر شهرام ایرانبومی، کارشناس حقوق بین‌الملل، این موضوع را از منظر علم حقوق و ملاحظات بین‌المللی آن در پیوند با مساله میراث فرهنگی ملتها توضیح داده است.

اکنون میان منسوبان امیر غزل معاصر مرحوم «امیر هوشنگ ابتهاج» بحثی است که جنبه قضایی به خود گرفته است. اجماع بر سر خاکسپاری ایشان در وطن، ایران ما حاصل نشده است. لذا دادگاه کلن باید تصمیم بگیرد که تصمیم بر سر تدفین چگونه و برعهده کدامین عضو خانواده باشد. در این مساله به غیر از اینکه مساله حقوق ملی آلمان باید بررسی شود، مساله حقوق بین‌المللی هم نقش مهم و اساسی دارد. دولت ایران با توجه به اصل ۸۳ قانون اساسی در ارتباط با میراث فرهنگی طی سال ۱۳۸۳ تصمیم گرفت منزل آقای ابتهاج - باغ ارغوان که در تملک شخصیت حقیقی شرکت سیمان است- را به عنوان میراث فرهنگی ثبت کند. این نکته مهم و واجد ارزش اثرگذاری بر مسیر حقوقی پیشرو خواهد بود. خانه دکتر ابتهاج به عنوان یک موقعیت مکانی ارزش ملی یافته و این ارزش نه حاصل سنگ و چوب و عرصه و اعیان خانه، بلکه متأثر از شخصیت فرهنگی کسی است که در آن اندیشید، آرمید و سرود. لذا آنچه در مقابل ما است پدیده‌ای است که لازم است از لحاظ فرهنگ ایران به آن اهمیت داده شود. فرهنگ ملی ما امروز با حسرت شاهد است مفاخر فرهنگی‌اش مصادره می‌شود. ابوریحان بیرونی، نظامی گنجوی، فارابی، مولوی و... را دیگران غیر ایرانی می‌خوانند چون آرامگاه آنان از سرزمین مادری جدا شده است. رنج به یغما بردن میراث فرهنگی یک ملت پایان‌ناپذیر است و امروز در برابر آحاد ایرانیان دولت مسوول است تا مانع از آن گردد تجربه مصادره مفاخر فرهنگی در شکل مدرن قالب پذیرد. فراموش نکنیم هزاران هنرمند و شاعر و دانشمند و متخصص ایرانی امروز فرهنگ ما را در خارج از کشور نمایندگی می‌کنند. آنان با چشمان باز و نگران به سرنوشت سایه می‌اندیشند و سایه فرجام او را بر سر خود افکنده می‌بینند. وقتی بیندیشیم پیکر ایشان مثل هر انسانی حق انتخاب در دفن مطابق ایمان و سنت و علائق خود را دارد، آگاه می‌شویم مسوولیتی بزرگ برعهده ماست.

خاکسپاری فقط آن نیست که یک شخصی در یک مکانی به آغوش خاک سپرده شود، بلکه یک فرآیند برای همراهی، همدلی و همسخنی با متوفایی است که با ایران همراه بود، با ایرانیان همدل و با فارسی‌زبانان همسخن.

انسانی که بتواند به عنوان یک شخصیت از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، ادبی و اخلاقی بر مبانی فرهنگ یک ملت تاثیرگذار باشد، تعلقی به خانواده، اقوام، شهر و دیاری فقط ندارد، او متعلق به فرهنگ ملی‌اش و تمدن فرهنگی‌اش است. حق یک ملت است که بتواند برای آن بزرگ محلی

انتخاب بکند که مناسب و متناسب با اثرگذاری او بر فرهنگ آن ملت باشد. امروزه ماهیت فرهنگی مهم‌ترین وجه است که با ارزش آن نوع و محل خاکسپاری مشخص می‌شود.

مساله‌ای که اکنون میان منسوبان بروز یافته - فارغ از اینکه فرد مدعی شواهدی ندارد- که اثبات کند محل فوت، مکان تدفین هم هست، دغدغه و مساله دیگر منسوبان نیز هست.

سایه چندین نوبت در اشعارش که تجلی خواست، روح و آرمان‌هایش بوده چنین بیان کرده است که ایران؛ سرای امید، وطنم است. برای سایه خاک وطن، عطری داشت که از هزاران کیلومتر دورتر در ارغوانش استشمام می‌کرد. او خواست در ایران مطابق شعائر و سنت مردمانش به خاک تحویل شود، محلی که در آن دنیا آمد، بسترش باشد. حقوق بشر ایجاب می‌کند به خواست انسان‌ها احترام گذاشت و حقوق فرهنگی الزام می‌دارد میراث ثبت شده دیگر ملت‌ها را پذیرفت و محترم شمرد.

دولت آلمان به عنوان داور که باید در تسهیل مسیر عبور سایه تصمیم بگیرد اکنون در آزمون سختی قرار دارد؛ احترام به حقوق انسانی و میراث فرهنگی. لذا باید مراعات کند و خواسته شخصی متوفی که طبق اشعار و خواسته شخص ایشان بارها بیان شده را مجری دارد. باید اجازه داده شود سایه در جایی به خاک سپرده شود که خودش آرزو داشته است و آن خاک سرزمین مادری‌اش ایران است.

در این پرونده می‌تواند قرارداد بین‌المللی دیگری هم نقش داشته باشد و پاسخگویی این بحث از جنبه حقوقی باشد و آن هم قرارداد بین‌المللی سال ۱۹۶۸ است که در تهران بین تمام کشورهای دنیا بسته شد و حق پیشرفت را به عنوان حقی از حقوق بشر تثبیت و اعلام کرد. هر کشوری حق دارد که از فرهنگش در برابر تهاجم کشورهای دیگر جلوگیری کند و ضمن احترام به تنوع فرهنگی، حامی فرهنگ و اشخاصی باشد که اسباب پیشرفت و ارتقای فرهنگ ملی می‌شوند. پس اگر خانه ابتهاج میراث فرهنگی حساب می‌شود، خود او اولی است. کشورهای خارجی با توجه به قدرت بین‌المللی‌ای که دارند، لازم است اصل پذیرش تنوع و حق حیات فرهنگی دیگران را مراعات کنند. انسان‌ها ابزار ساختن فرهنگ هستند. خاکسپاری شخصی که به عنوان انسان فرهنگساز کوشید تا به مثال يك شاعر تفاوت و تمایز میان فرهنگ ایرانی و بقیه فرهنگ‌ها را در شعرش نمایان سازد، باید مطابق سنت‌های فرهنگی و در قلمرو فرهنگی آن ملتی انجام شود که در میان آنان بالید و بزرگ شد. میراث فرهنگی فقط برای اشیا نیست برای افراد هم هست و زمینه اعمال قانون در اینجا کاملاً پدیده‌ای است که دولت هر کشوری؛ به ویژه ایران وظیفه انجامش را دارد. پس انتظار است این موضوع به عنوان يك امر ملی و میهنی و نه فقط مساله منسوبان دیده شود. این

نکته را هم نباید فراموش کرد: در حالی که دنیا در شرایط هویت‌سازی جهانی است و فرمول‌هایی برای جهانی‌سازی دارد که به جامعه بین‌المللی تزریق می‌شود، این انسان‌ها و نه دولت‌ها هستند که فرهنگ‌ها را می‌سازند، فرهنگ جهانی تشکیل شده است از فرهنگ انسان‌ها و حتی وظیفه دولت‌ها این است که دفاع از فرهنگ بومی خودشان کنند و اگر شخصی جزو فرهنگ آن کشور بوده و اسباب فرهنگ‌سازی را ایجاد کرد وظیفه دولت‌ها است که برای هویت آن جامعه، برای هویت خودمانی بودن، فعال شوند و نیازهای فرهنگی به وسیله دفاع از حق خاکسپاری اشخاص صاحب منزلت و شأن اجتماعی حاصل است، افرادی که تاثیرگذار بر فرهنگ بوده‌اند. هویت قومی، هویت ملی ما ایرانیان نباید ابزاری برای بیگانگان، برای سودجویان شود تا میراث فرهنگی و انسانی ما را بربایند. امروز چگونه با مرگ سایه برخورد کردن جزو تمرین‌های ما ایرانیان برای ساخت فرهنگ ملی کشور است. خاکسپاری بخشی از حقوق انسانی است و دولت‌ها موظف هستند تا در برابر حقوق انسان مسوولانه عمل کنند. \*کارشناس حقوق بین‌الملل

من: □□□□□□ □□□□□□ 31 □□□□□□ 1401 □□□□□□